

دوستش داشتم

آنا گاوالدا

برگردان: شهرزاد ضیایی

«چی گفتی؟»

«گفتم که با خودم می برمشان. بهتر است کمی از اینجا دور باشند...»

مادرشوهرم پرسید: «کی؟»

«همین حالا.»

«حالا؟ الان منطقی فکر نمی کنی...»

«چرا، کاملاً منطقی هستم.»

«چی می گی؟ ساعت نزدیک یازده است! پی بر، تو...»

«سوزان، روی صحبتتم با کلوئه است. کلوئه به من گوش کن. دلم می خواد

شما را از اینجا ببرم. موافقی؟»

من چیزی نمی گویم.

«به نظرت پیشنهاد بدی ست؟»

«نمی دانم.»

«برو وسایلات را جمع کن. وقتی برگردی، می رویم.»

«دلم نمی خواهد به خانه ام بروم.»

«پس نرو. وقتی به آن جا برسیم همه چیز را درست می کنیم.»

«اما شما...»

«کلوئه، کلوئه خواهش می کنم. به من اعتماد کن.»

مادرشوهرم هم چنان اعتراض می کرد:

« اما...! مطمئناً خیال ندارید بچه‌ها را از خواب بیدار کنید! ویلا گرم نیست و چیزی برای خوردن در آن پیدا نمی‌شود! هیچ چیزی برای دخترها نیست آن‌ها...»
 پدرشوهرم بلند شد.

ماریون روی صندلی کودک توی ماشین خوابش برده؛ شستاش نزدیک دهان‌اش است. لوسی کنارش گلوله شده.
 به پدر شوهرم نگاه می‌کنم. صاف نشسته و فرمان را دو دستی چسبیده. از وقتی راه افتادیم یک کلمه هم حرف نزده. وقتی نور ماشین‌های روبه‌رو به چشمم خورد، نیم‌رخ‌اش را دیدم. فکر کنم مثل من ناراحت است؛ خسته است؛ سرافکنده است.

سنگینی نگاهم را حس می‌کند:

« چرا نمی‌خوابی؟ بهتر است کمی استراحت کنی. پشتی صندلی‌ات را بخوابان و بخواب. هنوز راه درازی در پیش داریم...»
 می‌گویم: « نمی‌توانم، باید مواظب شما باشم.»
 لبخند می‌زند. البته اگر بشود اسم‌اش را لبخند گذاشت!
 « نه... این منم که باید مواظب شما باشم.»
 هر کدام غرق افکار خودمان می‌شویم.
 دست‌هایم را می‌گذارم روی صورتم و می‌زنم زیر گریه.

«...»
 «...»
 «...»
 «...»
 «...»

جلوی پمپ بنزین پارک کرده‌ایم. از نبودش سوء استفاده می‌کنم تا نگاهی به تلفن همراهم بیاندازم.

هیچ پیامی ندارم.

معلوم است.

چقدر احمقم.

چقدر احمق...

رادیو را روشن می‌کنم و بعد دوباره خاموش می‌کنم.

پدرشوهرم برمی‌گردد.

« تو نمی‌خواهی بروی؟ چیزی لازم نداری؟»

قبول می‌کنم.

دکمه‌ی اشتباه را می‌زنم و لیوانم پر می‌شود از مایع حال‌به‌هم‌زنی که یک‌جا

می‌اندازم‌اش توی سطل آشغال.

از فروشگاه برای لوسی یک بسته پوشک و برای خودم مسواک می‌خرم.

تا پشتی صندلی‌ام را نخوابانم، راه نمی‌افتد.

چشم‌هایم را وقتی باز می‌کنم که دارد ماشین را خاموش می‌کند.